نقد و بررسی احادیث موضوعه

بهشتی، احمد

همه کسانی که به نقل حدیث پرداخته‏اند، ناقلانی نیستند که تنها آنچه را به واسطه یا بدون واسطه، از معصومان شنیده‏اند، برای دیگران نقل کنند، بلکه عده‏ای از آنها به جعل و وضع حدیث پرداخته و مجعولات و موضوعات و-احیانا-مسموعات خود را به عنوان سخن معصوم، برای دیگران نقل کرده‏اند؛تا از این رهگذر، مقام اولیای دین را تنزل داده یا به سخن خود و دیگران اعتبار بخشند.علت این است که از نظر مسلمانان، قول و فعل و تقریر معصوم-یعنی همانهایی که اصطلاحا سنت نامیده می‏شود-همچون کتاب خدا- یعنی قرآن-حجیّت دارد.

این افراد، از آنجا که نتوانسته و نمی‏توانند مجعولات یا مسموعات خود را به نام وحی آسمانی و قرآن به خورد مردم مسلمان دهند، کوشیده‏اند-و شاید بعد از این هم‏ بکوشند-که ساخته‏ها و پرداخته‏های ذهن و اوهام و خیالات خود را به معصوم نسبت دهند و با سوء استفاده از حسن اعتقاد مردم ساده دل، آنها را بر کرسی مقبولیّت بنشانند.

ابو الفرج جمال الدین عبد الرحمان بن علی جوزی می‏نویسد. (1)

«لمّا لم یمکن احدا ان یدخل فی القرآن ما لیس منه اخذ اقوام یزیدون فی حدیث رسول اللّه و یضعون علیه ما لم یقل». 2

از آنجا که برای هیچکس ممکن نبود که چیزی را که از قرآن نیست، داخل قرآن کند، گروهی به زیاد کردن در حدیث پیامبر خدا(ص)پرداختند و آنچه را آن بزرگوار نگفته بود، وضع کردند.

متأسفانه اینها کم نبوده‏اند.سهل بن براء می‏گوید:احمد بن جویباری و محمد بن عکاشه کرمانی و محمد بن تیم داری فاریابی، بیشتر از ده هزار حدیث جعل کرده و به پیامبر اکرم(ص)نسبت داده‏اند. (3)

ابن جوزی می‏گوید:اینها خلقی کثیر بوده‏اند.برخی از آنها به خاطر جعل و نشرژ احادیث دروغ-که قابل جبران نبود-گریه بسیار کرده‏اند. (4)

قرآن کریم، افترای به خدا و هر گونه افترایی که نتیجه آن، افترای به خداست، را مورد نکوهش و تهدید قرار داده است.چنانکه می‏فرماید:

انّ الذین یفترون علی اللّه الکذب لا یؤمنون. (5)

یعنی:«آنان که بر خدا، افترای دروغ می‏بندند، ایمان نمی‏آورند».

(1)-به دایرة المعارف بزرگ اسلامی رجوع شود.

(2)-این مطلب را سیوطی از کتاب الموضوعات ابن جوزی نقل کرده است.کتاب مزبور در دسترس نگارنده نیست، نگاه کنید به اللالی المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه 2/474.

(3)-همان.

(4)-همان.

(5)-یونس/69.

و نیز می‏فرماید:

«انما یفتری الکذب الذّین لا یؤمنون بایات اللّه و اولئک هم الکاذبون» (1)

تنها کسانی افترای دروغ می‏بندند که به آیات خدا ایمان نمی‏آورند.اینان همان دروغگویانند.

این مفتریان را اصطلاحا«وضّاع»و مجعولات و اکاذیب آنها را«احادیث موضوعه» می‏گویند.

شناخت«احادیث موضوعه»یکی از کارهای علمی و تخصصی علمای حدیث است. امروز«علم الحدیث»همچون گذشته، از اهمیت و اعتبار ویژه‏ای برخوردار است. یکی از شعب مهم آن، بحث و بررسی و تحقیق درباره احادیث موضوعه است.

علمای علم الحدیث باید برای شناخت احادیث موضوعه و تشخیص سره از ناسره و حق از باطل و مجعول از غیر مجعول، مهارت و تخصّص و تبحّر لازم و کافی داشته باشند و گرنه، با توجّه به اینکه یکی از منابع مهم فقهی و اعتقادی و تفسیری و شناخت پیامبران و امامان معصوم، (علیهم السلام)احادیث است، هم فقها و هم متکلمان و هم مفسران دچار انحرافات و خبط و خطاهای جبران ناپذیری می‏شوند و دین خدا از محور اصلی خود خارج می‏شود و پیروان دین، به نام دین، گرفتار اعتقادات و اعمالی می‏شوند که خداوند و اولیای حقّه دین از آنها بیزار و متنفرند.البته اینان باید از افراط و تفریط بپرهیزند.نه هر حدیثی را به بهانه بی‏دلیل جعل رد کنند و نه هر مجعولی را بدون تحقیق و تأمل بپذیرند.

قسیوطی درباره اهمیت شناخت احادیث موضوعه می‏گوید:

«انّ من مهّمات الدین التنبیه علی ما وضع من الحدیث و اختلق علی سیّد المرسلین» (1) -النحل/105.

یعنی:یکی از کارهای مهم دینی، تنبیه است بر حدیثی که جعل شده و به ساحت مقدس حضرت سید المرسلین انتساب یافته است.

حساسیت سیوطی در مورد احادیث موضوعه‏ای است که در سنّت نبوی راه یافته است.علت این است که مسلمانان غیر شیعی، سنّت را عبارت از قول و فعل و تقریر پیامبر خاتم(ص)می‏دانند، ولی مسلمانان شیعی، قول و فعل و تقریر ائمه اطهار(ع)نیز حجّت می‏شمارند و به همین لحاظ است که از نظر شیعه، هم تنبیه بر احادیثی که جعل شده و به پیامبر خدا(ص)انتساب یافته، اهمیت دارد و هم بر احادیث موضوعه‏ای که به امامان معصوم(ع)نسبت داده شده است.

پیامبر گرامی اسلام، شخصا نسبت به احادیث مجعولی که به آن بزرگوار، انتساب یافته، اعلام خطر کرده است.امیر المؤمنین(ع)فرموده است:

«انّ فی ایدی الناس حقّا و باطلا.و صدقا و کذبا.و ناسخا و منسوخا.و عاما و خاصّا.و محکما و متشابها.و حفظا و وهما.و لقد کذب علی رسول اللّه(ص)علی عهده حتّی قام خطیبا فقال:«من کذب علیّ متعمّدا فلیتبوّء مقعده من النّار» (2)

یعنی:در دست مردم حقی و باطلی، راستی و دروغی، ناسخی و منسوخی، عامی و خاصی، محکمی و متشابهی، حفظی و وهمی است.بر پیامبر خدا(ص)در زمان او دروغ بستند، تا آنکه به خطابه برخاست و فرموده:هر که به عمد بر من دروغ بندد، جایگاه خودش را آتش قرار دهد.

و نیز پیامبر گرامی اسلام(ص)فرمود:

(1)-اللآلی المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، صفحه 3.

(2)-نهج البلاغه، خطبه/201.

«اتّقو الحدیث عنّی الاّ ما علمتم.فمن کذب علیّ متعّمدا فلیتبّوء مقعده من النار» (1)

از حدیث کردن از من بپرهیزید.مگر آنچه علم دارید.زیرا هر کس دروغی به عمد به من نسبت دهد، باید جایی در آتش برای خود آماده سازد.

و باز فرمود:

«من قال علیّ مالم اقل فلیتبّوء مقعده من النار» (2)

هر کس چیزی به من نسبت دهد که نگفته‏ام، باید جایگاه خودش را آتش قرار دهد.

حدیث فوق را امام صادق(ع)از پیامبر اکرم(ص)نقل کرده است و در مقدمه آن فرموده است:

«الکذب علی اللّه عزّ و جلّ و علی رسوله(ص)و علی الاوصیآء(ع)من الکبائر». (3)

دروغ بستن به خدا و پیامبر(ص)و اوصیاء(ع)از گناهان کبیره است.

پیامبر گرامی اسلام، در حجة الوداع، خطر بزرگ جعل و وضع حدیث را به مسلمانان آن عصر و آیندگان اعلام کرد و فرمود:

«قد کثرت علیّ الکذّابة فمن کذب علیّ متعمّدا فلیتبّوء مقعده من النار...» (4)

جماعتی که به من بسیار دروغ می‏بندند، زیاد شده‏اند هر کس به عمد، دروغی به من ببندد، باید جایگاه خودش را آتش قرار دهد.

علامه مجلسی درباره واژه«الکذابه»که در کلام والای نبوی آمده، سه احتمال می‏دهد:

1-کذابه، بر وزن خطابه که در این صورت، مصدر و به معنای دروغ گفتن است.

2-کذاب، بر وزن کتاب که مصدر و به معنای اسم مفعول و تای آن برای تأنیث است.

3-کذّاب، بر وزن قصّاب که صیغه مبالغه و تای آن نیز برای مبالغه یا تأنیث است.

(1)-بحار الانوار 2/161.

(2)-همان، صفحه 117.

(3)-همان

(4)-الکافی 1/62.

ولی شق دوّم احتمال اخیر را ترجیح می‏دهد.در این صورت، معنای حدیث چنین است:

«قد کثرت علیّ الجماعة الکذّابة» (1)

ما در ترجمه حدیث، همین وجه را برگزیدیم.

او سپس درباره حدیث فوق می‏گوید:«هذا الخبر علی تقدیری صدقه و کذبه یدّل علی وقوع الکذب علیه» (2)

یعنی:این خبر، بنا بر هر دو فرض صدق و کذب، بر وقوع کذب بر پیامبر خدا دلالت دارد.

ابن اثیر جرزی (3) درباره جمله«فلیتبّوء مقعده من النار»می‏گوید:

این لفظ در حدیث تکرار شده است و معنای آن، چنین است:«لینزل منزله من النّار» باید در جایگاه خود از آتش فرود آید.گفته می‏شود:«بوّاه اللّه منزلا»

یعنی:خداوند او را در منزلی ساکن کرد و گفته می‏شود:«تبؤات منزلا»یعنی:آنجا را منزل گرفتم. (4)

اخطارهای امامان معصوم

نه تنها پیامبر گرامی اسلام(ص)، خطر جعل حدیث را گوشزد کرده، بلکه ائمه اطهار(ع)نیز در روایات متعدد، شیعیان را متوجه حساسیت این خطر کرده‏اند.

به عنوان نمونه، در کتاب سلیم بن قیس هلالی، (5) ابان بن ابی عیّاش، روایت مفصلی (1)-مرآت العقول 1/211.

(2)-همان.

(3)-سه برادر به نام ابن اثیر شهرت یافته‏اند:یکی مؤلف النهایه فی غریب الحدیث و الاثر و جامع الاصول و الانصاف، دیگری عز الدین علی صاحب کتاب کامل التواریخ واسد الغابة فی معرفه الصحابه و سومی ضیاء الدین نصر الله صاحب کتاب المثل السائر و غیر آن(نگاه کنید به سفینه البحار 1/11:اثر).

(4)-النهایه فی غریب الحدیث و الاثر 1/159.

(5)-مجلسی می‏گوید:کتاب سلیم بن قیس نزد من موجود است و در آن چیزهایی یافتم که موجب ظن قوی به صحت آن است(مرآت العقول 1/210)در روایتی از امام صادق(ع)از سلیم و کتابش ستایش بسیار شده است.عقیقی و ابن الندیم گفته‏اند:او از اصحاب امیر المؤمنین(ع)بود.حجاج در صدد قتلش برآمد.او فرار کرد و به ابان پناه برد.به هنگام مرگ کتابش را به ابان سپرد و ابان از او روایت کرد:ابان کتاب از امام باقر(ع)نقل کرده که قسمت مهمی از آن، درباره جعل و وضع و تحریف احادیث اهل بیت(ع)است.بنابر استدلالی که از علامه مجلسی نقل شده، حتی اگر روایت ابان، مجعول یا محرف هم باشد، دلیل بر جعل و تحریف روایات ائمه اطهار(ع)است.

در بخشی از روایت مفصل ابان چنین می‏خوانیم:

«و وجد الکذّابون لکذبهم موضعا تقربون الی اولیاءهم و قضاتهم و عمّالهم فی کلّ بلدة، یحدّثون عدوّنا و ولاتهم الماضین بالاحادیث الکاذبة الباطلة و یحدّثون و یروون عنّا ما لم نقل تهجینا منهم لنا و کذبا منهم علینا و تقرّبا الی ولاتهم بالزّور و الکذب» (1)

اشخاص کذّاب، به خاطر کذبشان جایگاهی یافتند که به زمامداران و قضات و کارگزاران آنها در هر شهری تقرب پیدا کردند.آنها برای دشمنان ما احادیث دروغ و باطل نقل می‏کردند و آنچه ما نگفته بودیم، از ما حدیث می‏کردند و غرض آنها این بود که ما را خوار و خفیف کنند و به ما دروغ ببندند و از راه تزویر و دروغ به والیان خویش تقرب جویند.

راوی می‏گوید:امام باقر(ع)بیش از 200 روایت برشمرد که به گمان مردم آنها همه حق است.ولی حضرت فرمود:

«هی و اللّه کلّها کذب و زور» (2)

به خدا همه آنها دروغ و تزویر است.

احادیث باطل، منحصر به احادیث موضوعه نیستند.احادیث محرّفه هم داریم که مورد بحث ما نیستند.در احادیث محّرفه، متن اصلی حدیث حفظ می‏شود.ولی افراد مغرض، به تحریف الفاظ آن می‏پردازند.احیانا ممکن است از تحریف لفظی خودداری کنند و به تحریف معنوی بپردازند.

-سلیم را در محضر امام سجاد و با حضور جماعتی قرائت کرد.حضرت فرمود:«هذه احادیثنا صحیحه». (نگاه کنید به سفینه البحار 1/652:سلم)

(1)-بحار الانوار 27/213.

(2)-همان، صفحه 214.

در همان روایت، حضرت فرمود:

«منها موضوع و منها محّرف» (1)

برخی از احادیث، موضوع و برخی محرّف است.

همان حساسیتی که عامّه مسلمانان درباره احادیث موضوعه‏ای که به پیامبر اکرم(ص) نسبت داده شده، پیدا کرده‏اند، شیعیان هم نسبت به احادیث موضوعه‏ای که به ائمّه اطهار(ع)نسبت داده شده، دارند، این حسّاسیتها را-چنانکه دیدیم-در درجه اول، پیامبر اکرم(ص)و در درجه بعد، امامان معصوم(ع)به وجود آورده‏اند و هدف آنها صیانت و پاسداری دین و مذهب، از خیانت دشمنان مغرض و دروغ پردازیهای دوستان نادان بوده است.

امام صادق(ع)فرمود:

«انّا اهل بیت صدّیقون، لا نخلو من کذّاب یکذب علینا و یسقط صدقنا بکذبه علینا عند الناس». (2)

ما خاندانی هستیم صدّیق و بسیار راستگو که از کذّابی که بر ما دروغ ببندد و صدق ما را به کذب خویش، در نزد مردم ساقط کند، بر کنار نیستیم.

در دنباله روایت فوق، حضرت دو نمونه از کذّابین را معرفی فرموده است:

یکی مسیلمه کذّاب که به پیامبر اکرم(ص)دروغ می‏بست و دیگری عبد اللّه بن سبا که به امیر المؤمنین علی(ع)روایات مجعولی نسبت می‏داد. (3)

مرحوم محدث قمی، دروغ بستن بر پیشوایان معصوم را شامل افترای حدیث و تحریف معنوی و لفظی و نسبت دادن فعلی به دروغ به ایشان و ادعای مرتبه ربوبیت (1)-همان.

(2)-همان 25/278.

(3)-برای مطالعه، درباره مسیلمه نگاه کنید به سفینة البحار محدث قمی 1/652(سلم)و برای مطالعه درباره عبد اللّه بن سبا نگاه کنید به کتاب عبد الله بن سبا. برای آنها و برتر دانستن آنها از پیامبر اکرم(ص)می‏داند. (1)

سیوطی پس از ذکر اهمیت شناخت احادیث موضوعه می‏گوید:

«و قد جمع فی ذلک الحافظ ابو الفرج بن الجوزیّ کتابا فاکثر فیه من اخراج الضّعیف الذی لم ینحطّ الی رتبة الوضع بل و من الحسن و من الصحیح کما نبّه علی ذلک، الائمّة الحفّاظ و منهم ابن الصّلاح فی علوم الحدیث و اتباعه» (2)

حافظ، ابو الفرج بن جوزی درباره احادیث موضوعه کتابی گرد آورده و از احادیث ضعیفی که به رتبه وضع و جعل نرسیده، بلکه از احادیث حسن و صحیح، در آن بسیار آورده(و آنها را از احادیث موضوعه معرفی کرده است).چنانکه پیشوایان و حافظان حدیث و از جمله ابن الصلاح در کتاب«علوم الحدیث»و پیروانش بر آن، تنبیه کرده‏اند. کتاب ابن جوزی، همان کتاب«الموضوعات»است.

اینگونه کارها نشانه همان افراط و تفریطی است که به آن اشاره کردیم.

سیوطی درباره انگیزه تألیف کتاب خود می‏گوید:

«و طالها اختلج فی ضمیری انتفائه و انتقاده و اختصاره لینتفع به مرتاده... (3)

مدتها بود که در ضمیر خود می‏اندیشیدم که کتاب ابن جوزی را تهذیب و نقد و خلاصه کنم تا طالب علم از آن بهره گیرد.

او کتاب خود را با اهداف فوق، می‏نگارد و می‏گوید:

«سمیّتها اللالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة» (4)

کتابم را درهای مصنوع درباره احادیث موضوعه نامیدم.

متأسفانه تنها ابن جوزی گرفتار افراط و تفریط نشده، بلکه تتبعات و تحقیقات نشان (1)-سفینة البحار 2/474(کذب).

(2)-اللالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة، صفحه 3.

(3)-همان.

(4)-همان.

می‏دهد که بسیاری از علما ناخواسته گرفتار چنین افراطها و تفریطهایی شده‏اند و به صرف اینکه مضمون حدیثی با مذاق آنها یا دیگران ناسازگار بوده، مجعولش دانسته‏اند. (1) یا احیانا به دفاع از حدیثی مجعول برخاسته و مصرانه بر آن مهر تأیید زده‏اند.

تحقیق درباره احادیث موضوعه، به دور از هر گونه تعصب و با رعایت نهایت

بی‏طرفی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط، کاری جدّی و نیازمند تعمق و تفحص و اطلاعی جامع از کتاب و سنت و اطلاع از تاریخ و آگاهی از روشهای مختلف نقد است.

به توفیق الهی در نظر است که مقالاتی چند درباره احادیث موضوعه نگاشته شود، تا از این رهگذر، گامی هر چند کوچک و در خور توان، در راه خدمت به معارف ناب اسلامی برداریم.برای رسیدن به چنین هدف والایی ناگزیریم درباره چند مطلب، تحقیق کنیم.

مطالبی که فعلا مورد نظر نگارنده است، عبارت است از:

1-تعریف احادیث موضوعه

2-بررسی انگیزه‏های وضع حدیث

3-شناخت و اضعان حدیث

4-روشهای شناخت احادیث موضوعه

5-کتاب شناسی

6-مروری بر احادیث موضوعه

(1)-مطالعه سلسله مقالات عالمانه آقای حسینیان قمی در فصلنامه علوم حدیث را توصیه می‏کنیم.وی تحت عنوان دفاع از حدیث، بسیاری از افراطها و تفریطها را بر ملا ساخته است.

منابع

1-قرآن مجید

2-نهج البلاغه، امیر المؤمنین، الامام علی بن ابیطالب(ع)صدار المستشاریة الثقافیة للجمهوریة الاسلامیة بدمشق، الطبعة الثانتة 1416 ه 1996 م

3-بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر(م 1111)تهران، دار الکتب الاسلامیه بی‏تا

4-دائرة المعارف بزرگ اسلامی، (ابن ازرق-ابن سیرین)جلد سوم، چاپ اول، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران 1369 شمسی

5-سفینة البحار، القمی، عباس بن محمد رضا، طبع فی المطبعة العلمیة فی النجف الاشرف 1355 هجری قمری

6-عبد الله بن سبا، العسکری، السید مرتضی، الطبعة الربعة، بیروت 1393 ه 1973 م

7-علوم حدیث، فصلنامه علمی، تخصصی، قم، صاحب امتیاز:دانشکده علوم حدیث، مدیر مسؤول محمد محمدی نیک ری شهری

8-الکافی، الکلینی الرازی، ثقة الاسلام، محمد بن یعقوب بن اسحاق(م 328/329)تهران دار الکتب الاسلامیة مصحح:علی اکبر الغفاری، الطبعة الثالثة 1388 ه ق

9-اللالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة، السیوطی الامام.جلال الدین، عبد الرّحمان(م 911) لمطبعة الاولی المکتبة الحسینیة المصّریة بالازهر، بی‏تا

10-مرآت العقول فی شرح اخبار الرّسول، مجلسی، محمد باقر، تهران، دار الکتب الاسلامیة مصحح‏ سید هاشم رسولی 1363(جلد اول)

11-الموضوعات، ابو الفرج، جمال الدین عبد الرحمان بن علی الجوزی(دائرة المعارف بزرگ اسلامی این کتاب را جزء آثار چاپ شده وی نیاورده است 3/276 و 277)

12-النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ابو السعادات، مجد الدین، مبارک بن ابی الکرم، اثیر الدین محمد بن محمد بن عبد الکریم الجرزی(م 606)قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، 1364 شمسی